

درباره خود حق‌پنداری

گفته می‌شود مصلحان و احیاگران دینی در عرصه احیاگری با 2 تشخیص مهم روبه‌رو هستند؛ «تشخیص درد» و «تشخیص درمان». بدین‌ترتیب، اساس کار احیاگری را می‌توان در «دردشناسی» و «درمانگری» خلاصه کرد.

گفته می‌شود مصلحان و احیاگران دینی در عرصه احیاگری با 2 تشخیص مهم روبه‌رو هستند؛ «تشخیص درد» و «تشخیص درمان». بدین‌ترتیب، اساس کار احیاگری را می‌توان در «دردشناسی» و «درمانگری» خلاصه کرد.

شهید مطهری که شاگرد برجسته مکتب امام خمینی(ره) بود، احیاگری از این جنس بود که هم درد را تشخیص داد و هم برای درمان آن تلاش کرد. او هنگامی که خرافات قدیم و عارضات جدید دامن اسلام را آکنده بود، هم شانه پیرجماران در تلاشی خستگی‌ناپذیر به بازخوانی و بازسازی مفاهیم بنیادین دین درچارچوب فهم و درک زمان پرداخت و چنان کرد که پس از گذشت سال‌ها هنوز بوی طراوت و تازگی از اندیشه مطهرش پیداست. مطهری وجود خرافات و بدعت‌ها و تحریف مفاهیم دینی را از جمله آفات جامعه اسلامی می‌دانست؛ بنابراین پیشنهاد می‌کرد که تفکر مرسوم دینی باید اصلاح شود و اصول و مبانی مذهبی به‌صورت صحیح، واقعی و متقن به افراد تعلیم داده شود.

از منظر تفکرو اندیشه مطهری احیاگری دینی یعنی زدودن غبار خرافه، بدعت و تحریف از چهره دین و عنایت به جنبه‌های مغفول و پیراستن زواید؛ بنابراین، احیاگری، مسبوق و از پی عارضه‌ای که نصیب دین می‌شود، معنا می‌یابد و درست به همین جهت است که احیاگری و اصلاحگری بسی سخت و جانکاه اما لازم و ضروری است. شهید مطهری این راه دشوار را با کوششی سخت پیمود تا به همه رهروان راه حق و حقیقت بگوید که مبارزه با خرافات و احیای تفکر اسلامی زمان نمی‌شناسد؛ چه امروز نیز جامعه بازهم با مصایب و مشکلاتی از این دست مواجه است. اکنون هستند افراد و اشخاصی که باورهای ناراست و نادرست خود را به نام دین و ظهورحضرت قائم(عج) سکه می‌زنند و آنچنان در این مسیر بدعت‌های عجیب و عارضات غریب می‌تراشند که تو گویی خود از پس پرده غیب خبر دارند.

و عجیب‌تر آنکه این جماعت راه‌نابلد بی‌هیچ نگاهی و توجهی به روایات، احادیث و تفکر بزرگان دین و فقاقت در حوزه‌های علمیه، یکسره برطبل تفکر باطل خویش می‌کوبند و دراین راه استفاده از هر رمال و مرتاض و جن‌گیری را نیزمباح می‌دانند. وجود چنین خطری است که لزوم احیاگری و بازخوانی مناسب اندیشه دینی را دو چندان می‌کند. آسیبی که جامعه از تفکرات انحرافی و التقاطی دیده بارها بیشتر از مواجهه با اندیشه مخالفان و معاندان بوده است. تاریخ معاصر ایران شواهد بسیار دارد که نشان می‌دهد اندیشه‌های کج پایه و غلط، هزینه‌های سنگینی را به مردم تحمیل کرده است. شهادت احیاگر بزرگی همچون مطهری خود نمونه‌ای از این دست است. شهید مطهری را کافران و معاندان نکشتند بلکه کسانی کشتند که تصور می‌کردند با این کار به دین خدمت می‌کنند! چنان‌که ابن ملجم نیز وقتی فرق «مولای عدالت» را شکافت چنین تصویری داشت.

رشد تفکر انحرافی بسیار خطرناک است و پیامدهای ناشناخته و ناگواری دارد، چراکه «توهم خود حق‌پنداری» تاب‌دانجا پیش می‌رود که حتی در مقابل خود حق و حقیقت نیز می‌ایستد. و درست به جهت همین اهمیت است که امروزه جامعه ایران بیش از هر زمان دیگری به احیاگران و مصلحان بزرگ دینی مانند شهید مطهری نیاز وافر دارد تا جن‌زدگان نفرین زاده‌ای که تمامی عرصه‌های عمومی و خصوصی را با اسطربلاب مهملات باطل خود تحلیل می‌کنند، بر سر جای خویش بنشانند و راه خانه خدا را به نسل‌های پسینی نشان دهند.